

۲	پیشگفتار	۶۸
۶	پیشگفتار	۶۹
۵	پیشگفتار	۷۰
۹	پیشگفتار	۷۱
۶	پیشگفتار	۷۲
۷۲	پیشگفتار	۷۳
۷۳	پیشگفتار	۷۴
۱۵۱	پیشگفتار	۱۵۲
۱۵۲	پیشگفتار	۱۵۳
۱۷۱	پیشگفتار	۱۷۲

فهرست

۹	پیشگفتار مترجم	۶۸
۱۳	پیشگفتار ویراستار ارشد	۶۹
۱۵	پیشگفتار نویسنده بر ویراست دوم	۷۰
	فصل یکم: نقد سنتی و شعور متعارف	
۱۹	۱. نقد شعور متعارف	۷۱
۲۱	۲. نظریه‌های جدید	۷۲
۲۳	۳. فقدان شفافیت	۷۳
۲۵	۴. این پروژه	۷۴
۲۷	۵. واقع‌گرایی تأثری	۷۵
	فصل دوم: چالش‌های پیش‌رو و واقع‌گرایی تأثری	
۳۷	۱. نقد جدید	۷۶
۴۵	۲. نور تروپ فرای	۷۷
۵۶	۳. قدرت خواننده	۷۸
	فصل سوم: نقد و معنا	
۶۷	۱. زیان‌شناسی پساسوسوری	۷۹
۷۹	۲. ساختن معنا	۸۰
۸۶	۳. تکثر معنا	۸۱
۸۹	۴. یک تجربه‌ی انتقادی جدید	۸۲
	فصل چهارم: خطاب به سوژه (تابع، فاعل، شناسنده)	
۹۱	۱. ایدئولوژی	۸۳
۹۴	۲. سوژه	۸۴

۹۶	۳. روان‌کاوی
۹۹	۴. مقاومت
۱۰۱	۵. میل
۱۰۴	۶. ادبیات
۱۰۴	۷. سوژه و متن
	فصل پنجم: متن استفهامی
۱۲۷	۱. فاعل (سوژه‌ی) دوباره
۱۳۴	۲. بی‌ثبات کردن فاعل (سوژه)
	فصل ششم: کار خواندن
۱۵۱	۱. بارت و ماشری
۱۵۹	۲. شرلوک هولمز
۱۷۰	۳. «دانشمند-کولی»
	فصل هفتم: ساختارشکنی و تفاوتی که ایجاد می‌کند
۱۷۹	۱. دیدار دوباره با سوسور
۱۸۲	۲. ساختارشکنی
۱۸۳	۳. تفاوت
۱۸۴	۴. تصمیم‌ناپذیری
۱۹۲	۵. حکم تاریخ
۱۹۲	۶. قانون تصمیم
	فصل هشتم: به سوی یک عمل انتقادی بارور
۱۹۵	۱. خواننده به‌عنوان مصرف‌کننده
۲۰۱	۲. انقلاب «کوپرنیکی»
۲۱۰	۳. تولید متن
۲۱۸	۴. مسائل
۲۲۱	برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۲۲۷	یادداشت‌ها
۲۳۱	منابع
۲۳۵	نمایه

نویسنده این کتاب، با استفاده از روش‌های مختلف و با بهره‌گیری از منابع گوناگون، به بررسی و نقد ادبی و فرهنگی پرداخته است. در این کتاب، نویسنده به بررسی و نقد ادبی و فرهنگی پرداخته است. در این کتاب، نویسنده به بررسی و نقد ادبی و فرهنگی پرداخته است.

پیش‌گفتار مترجم

ویراست کنونی این اثر در مقایسه با چاپ اول آن تغییرات زیادی کرده است. این تغییرات جای‌جای کتاب، از فصل‌بندی گرفته تا منابع، توضیحات و حتی واژگان را دربر می‌گیرد. نخست آن‌که شمار فصل‌های کتاب از شش به هشت فصل افزایش یافته است. از این دو فصل اضافی یکی تغییر فصل‌بندی کتاب و دیگری افزوده‌ای جدید است. فصل جدید، بررسی تأثیر دریدا بر نقد ادبی است که در چاپ اول در حاشیه به آن پرداخته شده بود. از دیگر تغییرات مهمی که در این ویراست اعمال شده، دقت در به‌کارگرفتن اصطلاح‌گفتمان^۱ توسط نویسنده است. همان‌طور که بلزی نیز در پیش‌گفتار خود اشاره کرده است، این اصطلاح به معنای هر آن چیز فرهنگی و نه مشخصاً یک چیز خاص، وارد زبان انگلیسی شده بود. در این ویراست، در اغلب موارد این واژه جای خود را به واژگانی از قبیل زبان، فرهنگ، صدا، متن، واژگان و نظایر آن داده است. این‌ها صرفاً نمونه‌ی تغییرات گسترده‌ای بود که در این ویراست اعمال شده است. به گفته‌ی بلزی:

1. discourse

زمانه تغییر کرده است و کتاب عمل نقد به روزآمد کردن نیاز دارد تا آنچه را که امروز می‌دانیم دربر بگیرد. شناخت، یک‌چنین چیزی است: بی‌تردید درک فعلی ما نیز به نوبه‌ی خود جای‌اش را به چیز دیگری خواهد سپرد.

لازم است چند نکته نیز درباره‌ی تغییرات ترجمه اضافه شود. مهم‌ترین تغییری که در این عرصه صورت گرفته استفاده از معادل «واقع‌گرایی تأثری» به جای «واقع‌گرایی وانمودی» برای اصطلاح انگلیسی expressive realism است. این اصطلاح به معنی ترکیبی از واقع‌گرایی تقلید محض از واقعیت، به‌علاوه‌ی بازتاب آن در ذهن هنرمند است. به‌عبارت دیگر، دربردارنده‌ی بازنمایی واقعیات، به‌علاوه‌ی بازنمایی اندیشه و احساسات هنرمند است. ترجمه‌ی این اصطلاح به وانمودی، درواقع بر جنبه‌ی تقلیدی آن بیش‌تر تأکید می‌گذاشت، حال آن‌که تأثری، هرچند شکل و شمایل زیبایی ندارد، اما مفهوم را دقیق‌تر منتقل می‌کند. اصطلاح معضل‌آفرین دیگر (expressive theory) بود که به نظریه‌ی تجربی ترجمه شده بود و اکنون به «نظریه‌ی تأثری» تبدیل شده است. اصطلاح انگلیسی (discourse) را که قبلاً به «سخن» برگردانده بودم به «گفتمان» تبدیل کرده‌ام زیرا به‌نظر می‌رسد که بیش از سخن جاافتاده باشد. به‌دلیلی مشابه، پیشوند «مابعد» در اصطلاحاتی از قبیل «مابعد ساخت‌گرایی» و «مابعد سوسوری» به «پسا» تغییر یافته است.

از این تغییرات مربوط به اصل کتاب و ترجمه که بگذریم، در این سال‌ها این‌جا و آن‌جا در زمینه‌ی ارزیابی تأثیر ترجمه‌ی این قبیل کتاب‌های نظری بحث‌های فراوانی مطرح شده و طیف‌های گوناگون اهل قلم در این مورد اظهارنظر کرده‌اند. تا آن‌جا که به تأثیر این آثار در شعر، داستان، و نقد در این مرزوبوم مربوط می‌شود، این نظرات را می‌توان به دو دسته‌ی کلی موافق و مخالف تقسیم کرد گروهی که ترجمه‌ی این آثار را

سودمند می‌شمارند، و عده‌ی دیگری که بیش‌تر مضرات آن را برجسته می‌کنند. مخالفان می‌گویند این نظریه‌ها به‌درستی هضم و جذب نشده‌اند و به کج‌فهمی‌های فراوان دامن زده‌اند. فقدان توانایی پیاده کردن آن‌ها در آثار ادبی فارسی، به انحراف کشاندن نسل‌های جوان، و ناهم‌خوانی آن‌ها با بستر اجتماعی و فرهنگی ما از جمله اتهامات وارده است. صاحب این قلم به‌عنوان یکی از مرتکبین سابقه‌دار و موافقان این فعالیت بر آن است که چاپ و انتشار این آثار پیامدهای بسیار مبارک و سودمندی داشته است. دلیل اول آن‌که از چندی به این سو دیگر هیچ منتقد جدی به زندگی‌نامه‌ی مؤلف یا شرح مشکلات آثار و مقاصد او نمی‌پردازد. جای این مطالب کهنه را اصطلاحاتی از قبیل فرم، فضا، ساختار، شخصیت‌پردازی، لحن، صدا، زاویه‌ی دید و نظایر آن گرفته است. دلیل دوم که شاید مهم‌تر از این دلیل اول باشد، دموکراتیک‌تر شدن عرصه‌ی نقد و نظر است. دیگر از منتقدان معدود و مادرزادی که کل این عرصه را ملک طلق خود می‌دانستند و کسی را به محدوده‌ی اختصاصی آن‌ها راهی نبود خبری نیست. شمار قابل توجهی از کنش‌گران جوان‌تر عرصه‌ی ادبیات، به این قبیل فعالیت‌ها می‌پردازند و حاصل کارشان هم گاهی بسیار خوب است. اگر ترجمه‌ی این آثار سهم اندکی در این دو تحول اساسی داشته باشد که بی‌شک داشته به هدف خود دست یافته است. انداختن گناه ندانم‌کاری‌ها، کج‌فهمی‌ها و فقدان خلاقیت‌ها به گردن زمین و آسمان و به‌طور کلی گریز از پذیرش مسئولیت‌های فردی، یکی از بیماری‌های مزمن این مرزوبوم است.

البته در امر شکوفایی و بالندگی نقد، علاوه بر این آثار و مباحث، عوامل دیگری نیز دخالت دارند که شاید اهمیت بیش‌تری هم داشته باشند. مهم‌ترین عاملی که نباید از آن غافل ماند بستر اجتماعی و فرهنگی نقد است. از آن‌جا که نقد نوعی گفت‌وگو با متن است به شرایطی نیاز دارد که گفت‌وگوی آزادانه‌ی متن و منتقد را تشویق کند. این موضوع در